

## منابع قدرت و تفسیر ایدئولوژیک قواعد ورزش بانوان

محمدحسین پناهی\*، شهناز صداقت زادگان اصفهانی\*\*

**چکیده:** جامعه‌شناسان اعم از ساختارگرا و فراساختارگرا بر تفسیر ایدئولوژیک قواعد ورزشی تأکید کرده و عواملی مانند سازمان و وضعیت اقتصادی را در آن موثر می‌دانند. در این تحقیق رابطه منابع قدرت اقتصادی-اجتماعی و سازمانی با نوع تفسیر ایدئولوژیک قواعد ورزشی بانوان مطالعه شده است. با استفاده از روش پیمایشی، داده‌های تحقیق از ۳۰ فدراسیون ورزشی که دارای ورزش بانوان بودند به طور تمام شماری جمع‌آوری شد. جامعه آماری پژوهش شامل همه مدیران سطوح مختلف این فدراسیون‌ها و ورزشکاران آنها بود که در زمان تحقیق جمعاً ۶۵۰ نفر بودند. از ۴ فرضیه مطرح شده بر اساس مبانی نظری تحقیق، فرضیه‌های رابطه مرتبه سازمانی، پاداش‌های مالی و جنس با نوع تفسیر ایدئولوژیک قواعد ورزشی تأیید شد.

**واژگان کلیدی:** ورزش بانوان، فدراسیون‌های ورزشی، تفسیر ایدئولوژیک، منابع قدرت، قواعد ورزشی.

### مقدمه

ورزش به عنوان یک پدیده اجتماعی در سطح کلان تابع ساختارها و روندهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه است. در سطح میانی نیز روابط قدرت و ایدئولوژی سازمانی در ورزش بانوان تأثیرگذار است. از طرفی این دو سطح کلان و میانی با هم ارتباط متقابل دارند. در مباحث جدید جامعه‌شناسی ورزش نیز تأثیر روابط و منابع قدرت و ایدئولوژی در ورزش زنان مورد تأکید قرار گرفته است. معمولاً در بخش ورزش بانوان به «ایدئولوژی مردانه» اشاره می‌شود که در کنار موانع ساختاری، ورزش بانوان را با دشواری‌های جدی مواجه می‌کند. منظور از موانع ساختاری وجود قوانین و قواعد رسمی و مصوبی است که مانع رشد ورزش بانوان می‌شود. علاوه بر قوانین رسمی، عوامل گسترده‌تر فرهنگی و اجتماعی نیز می‌توانند مانع رشد ورزش بانوان شوند.

مرور تاریخی بیشتر جوامع بیان کننده نقش حاشیه‌ای زنان در ورزش است که احتمالاً بخشی از آن متأثر از ایدئولوژی جنسیتی حاکم بر تصمیم گیرندگان ورزش زنان است. مثلاً در یونان قدیم و المپیک باستانی حضور فعال زنان در ورزش‌های رسمی ممنوع بود. در المپیک مدرن نیز دوکوبرتن در دوره حیات خود مخالف سرسخت حضور بانوان در رقابت‌های رسمی المپیک بود (دوکوبرتن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰: ۷۱۱). هنوز هم کشورهایی وجود دارند که مخالف حضور ورزشکاران زن در مسابقات رسمی مانند المپیک هستند. از جمله، به دلیل ویژگی‌های خاص فرهنگی، دینی و سیاسی کشورهای اسلامی، ورزش بانوان در این کشورها متفاوت از سرزمین‌های دیگر است (نیکسون و فرای<sup>۲</sup>، ۱۹۹۶؛ گریدون<sup>۳</sup>، ۱۹۹۸).

در ایران دو تعبیر از مشارکت بانوان در فعالیت‌های ورزشی وجود دارد: یک تعبیر مبتنی بر حدیث پیامبر اکرم (ص) که بر لزوم توجه والدین به آموزش ورزش‌های شنا، سوارکاری و تیراندازی به فرزندان خود تأکید دارد، بدون این که آن را محدود به جنس خاصی کنند. تعبیر دیگر با اشاره به حدود پوشش زن در شرع مقدس اسلام و با اشاره به این که وظیفه اصلی زن «همسری»، «فرزند آوری» و «مادری» است، هر نقش دیگر، از جمله نقش قهرمانی در میادین ورزشی و «زن ورزشکار قهرمان و مدال آور»، را از نظر اهمیت در مراتب پایین‌تری قرار می‌دهد. بدون تردید اگر باورهای مردم و تصمیم‌گیران بیشتر به سمت تعبیر دوم تمایل پیدا کند، بر حضور کمی و کیفی زنان در رقابت‌های ملی و بین‌المللی تأثیر منفی می‌گذارد. به علاوه، موضوعاتی از این دست می‌تواند زمینه‌ساز توزیع نابرابر امکانات ورزشی شده و مانع رشد انواع مختلف ورزش بانوان شود.

اما وضعیت ورزش بانوان در ایران پیچیده‌تر از آن است که بتوان ادعای غلبه تعبیر دوم را تأیید کرد، چرا که ورزش بانوان در ایران پس از انقلاب اسلامی در مقایسه با دوره قبل از انقلاب، رشد قابل توجهی داشته است، هر چند با وضعیت مطلوب فاصله زیادی دارد. به عبارت دیگر، فرهنگ و ایدئولوژی و قواعد حاکم بر ورزش پدیده‌های ساده‌ای نیستند که فقط یک تفسیر و برداشت خاص از آنها وجود داشته باشد. باید در این زمینه به نقش عاملیت، به ویژه موقعیت و میزان قدرت گروه‌های مختلف توجه خاصی داشت و بررسی کرد که چگونه قواعد موجود از سوی گروه‌ها و تصمیم‌گیران مختلف تفسیر می‌شود. این تحقیق درصدد است به

---

<sup>۱</sup>. De Coubertin

<sup>۲</sup>. Nixon & Fray

<sup>۳</sup>. Gredon

منابع قدرت و تفسیر ایدئولوژیک قواعد ورزش بانوان ۷

این سؤال پاسخ دهد که میزان منابع قدرتِ عاملانِ حوزه ورزش بانوان و جنسیت آنان به چه میزان و چگونه در تفسیر قواعد موجود ورزش بانوان اثر می‌گذارد؟

### مبانی نظری تحقیق

بر اساس نظریه ساختارگرایانه، هریک از گروه‌ها در یک سازمان، براساس موقعیت و منافع خود، ایدئولوژی خاصی داشته و بر اساس آن عمل می‌کنند. به عبارت دیگر، هر یک از مراتب قدرت سازمان بر اساس موقعیت و منافع و زمینه‌ای که در آن قرار دارد، قواعد سازمان را به گونه‌ای خاص تفسیر می‌کند که ریشه در ایدئولوژی خاص خود دارد. بدین ترتیب، قواعد سازمان، ابتدا از طریق تفسیر ایدئولوژیک نسبت به جنسیت جهت خاصی می‌یابد و سپس اجرا می‌شود. در نتیجه ممکن است موجب تبعیض شود (مک فی<sup>۱</sup>)، ۲۰۰۴: ۱۶۸-۱۶۷؛ کلگ<sup>۲</sup>، ۱۹۸۷: ۷۰-۶۰).

از طرف دیگر، سازمان و روابط سازمانی حاوی روابط قدرت و اقتدار است، به طوری که هر موقعیت سازمانی از مقدار خاصی از قدرت و اقتدار برخوردار است. در واقع، هر سازمانی برای تداوم حیات خود نیاز به قدرت و توزیع نابرابر اقتدار در درون خود دارد. این توزیع به نحوی است که موقعیت‌های بالاتر سازمان حامل اقتدار بیشتری نسبت به موقعیت‌های پایین‌تر سازمان هستند (روشه، ۱۳۶۶: ۱۲۳-۱۲۶). لذا نوع تفسیر قواعد کسانی که در موقعیت‌های بالاتر سازمانی قرار دارند، چه در جهت مثبت و چه در جهت منفی، اثرگذارتر خواهد بود. یکی از راه‌های اعمال قدرت سازمان بر اعضای خود، انواع شیوه‌های انضباطی مستقیم و غیر مستقیمی است که از طریق آنها اطاعت فرد از سازمان تضمین شده و اقتدار سازمان بازتولید می‌شود و نوع تفسیر مراتب بالاتر سازمان به اجرا در می‌آید (کلگ، ۱۹۸۹: ۱۹۳-۱۹۰).

در هر سازمانی سه سطح قدرت قابل تشخیص می‌باشد: ۱- سطح نهادی، ۲- سطح مدیریتی، ۳- سطح فنی (الدريج و کرامی<sup>۳</sup>، ۱۹۷۴: ۱۰۴؛ کلگ، ۱۹۸۷: ۷۰-۶۰). سطح فنی وظایف اصلی سازمان را انجام می‌دهد؛ سطح مدیریتی بین سطح فنی و نهادی رابطه ایجاد می‌کند و سطح نهادی بین سازمان و محیط اجتماعی سازمان ارتباط برقرار می‌کند تا بقای سازمان را تضمین کند. وظیفه سطح نهادی تخصصی نیست، بلکه وظیفه آن تنظیم روابط درونی و بیرونی سازمان و حفظ بقای سازمان در محیط و کنترل اختلافات

<sup>۱</sup>. Mc Fee

<sup>۲</sup>. Clegg

<sup>۳</sup>. Eldridge & Crombie

درونی است تا از طریق انطباق سازمان با محیط، بخش‌های تخصصی سازمان بتوانند با آرامش به فعالیت بپردازد (کلگ، ۱۹۸۷: ۷۰-۸۰؛ هال، ۱۹۹۱: ۵؛ مک فی، ۲۰۰۴: ۱۶۸-۱۶۷؛ گالبرایت، ۱۳۸۱). در نتیجه از آنجا که عامل سازمان یکی از منابع مهم قدرت به شمار می‌رود، عوامل سطح نهادی و مدیریتی که در موقعیت و مرتبه‌های سازمانی برتر قرار دارند بر تفسیر ایدئولوژیک قواعد اثر بیشتری می‌گذارند.

علاوه بر موقعیت سازمانی که به دارنده آن اقتدار می‌بخشد، ویژگی‌های شخصیتی و میزان مالکیت و قدرت اقتصادی فرد نیز در میزان قدرت او تأثیر می‌گذارد (الدريج و کرامبی، ۱۹۷۴: ۱۲۰-۱۱۹؛ هال، ۱۹۹۱: ۱۱۲-۱۱۱). به نظر گالبرایت<sup>۱</sup>، برخورداری از ویژگی‌های شخصیتی مانند تخصص، سخنوری، جلب حمایت افراد، نظارت بر ابزار قدرت، در میزان قدرت افراد و در نتیجه بر نوع تفسیر ایدئولوژیک آنها اثر می‌گذارد (گالبرایت، ۱۳۸۱: ۱۹۱-۱۸۹).

اهمیت میزان مالکیت و دسترسی به منابع اقتصادی در قدرت سازمان‌ها و افراد نیز مورد تأکید مارکس و گالبرایت و حتی فراساختارگرایانی مانند کلگ است. در قالب سازمان، بودجه سازمان از شاخص‌های اقتصادی و وسیله وابستگی سازمان به محیط است و از این طریق اعمال قدرت و اثرگذاری متقابل محیط بر سازمان و سازمان بر محیط فراهم می‌آید (نش، ۱۳۷۹: ۲۳-۲۴؛ هال، ۱۹۹۱: ۱۱۹؛ بولدینگ<sup>۲</sup>، ۱۹۸۹: ۳۳-۳۳؛ کلگ، ۱۹۸۷: ۲۲۹). در سطح فردی نیز برخورداری از قدرت اقتصادی زمینه‌ساز برخورداری از قدرت سیاسی و تحقق خواسته‌ها است. نوع و میزان پاداش نیز از منابع اقتصادی است که می‌تواند بر نوع تفسیر قواعد اثر بگذارد. بدین ترتیب، عامل اقتصادی شامل مالکیت، بودجه، حقوق و میزان پاداش بوده و یکی از عوامل تعیین کننده میزان قدرت فرد یا سازمان بوده و در نتیجه بر تفسیر ایدئولوژیک قواعد ورزش در سازمان ورزش اثر می‌گذارد.

ورزش یکی از نهادهای فرعی جامعه است که دولت‌ها اهمیت خاصی به آن داده و از دخالت در آن نفع می‌برند. دولت‌ها از طریق بوروکراسی و عقلانیت ابزاری بر ورزش کنترل اعمال می‌کنند. اما از آن جا که، به نظر بعضی، بوروکراسی‌ها تاحدی ماهیت مردسالارانه دارند، خود موجب نابرابری جنسی در ورزش می‌شوند (هالفورد، ۱۹۹۲: ۱۷۹-۱۷۸). به همین سبب، به نظر ایچسان<sup>۳</sup>، دستیابی زنان به سیمت‌های مدیریتی در سازمان‌ها و بوروکراسی‌ها، از راه‌حل‌های مقابله با ماهیت مردسالارانه آنها و رسوخ ساختار غیر رسمی

<sup>۱</sup>. Galbraith

<sup>۲</sup>. Boulding

<sup>۳</sup>. Aitchson

فرهنگ مردسالارانه به داخل سازمان ورزش بانوان است (ایچسان، ۲۰۰۲: ۵۳). اگر دستیابی بانوان به سمت‌های مدیریتی همراه با دستیابی به سایر منابع قدرت باشد، اثرگذارتر محسوب می‌شود؛ ولی زنان معمولاً به این منابع، دسترسی اندکی دارند (ژاروی و مگوایر<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴: ۱۶۹؛ نیکسون و فرای ۱۹۹۶: ۲۶۶-۲۶۵). مرور تحقیقات پیشین در مورد ورزش بانوان نشان می‌دهد که در کنار حمایت اقتصادی و بهره‌گیری از مدیران متخصص، بهره‌گیری از مدیران زن برای توسعه و حمایت از ورزش بانوان مورد تأکید است، به طوری که در اکثر مطالعات داخلی و خارجی، فراوانی مدیران زن از عوامل مؤثر بر قوت گرفتن باورهای حامی ورزش بانوان و افزایش مشارکت زنان تلقی شده است.

به نظر گالبرایت، یکی از ابزارهای مهم اعمال قدرت، شرطی کردن<sup>۲</sup> صریح و ضمنی است که ارتباط نزدیکی با فرهنگ، ایدئولوژی و باورهای ذهنی و نگرش افراد جامعه دارد (گالبرایت، ۱۳۸۱: ۱۵۲؛ کلاگ، ۱۹۸۳: ۲۹۸-۲۹۷). شرطی کردن ذهنیت افرادی را که تحت تأثیر قدرت قرار دارند چنان شکل می‌دهد که وضعیت موجود خود را کاملاً طبیعی و قابل قبول بدانند. رسانه‌های جمعی از جمله تولید کنندگان قدرت شرطی یا شرطی کردن افراد، ابزاری در دست سازمان هستند تا بتوانند بر محیط خود نظارت کند (گالبرایت، ۱۳۸۱: ۲۷-۳۸). بدین ترتیب، رسانه‌ها مقوم ایدئولوژی سازمانی بوده و ارزش‌های جنسیتی را در قلمرو ورزش تولید و باز تولید می‌کند و بدین طریق بر نحوه تفکر و نگرش افراد نسبت به ورزش تأثیر می‌گذارد (گریدون ۱۹۹۸: ۹۵؛ کارلیسل و مسنر<sup>۳</sup>، ۱۹۹۸: ۲۱۱؛ نیکسون و فرای، ۱۹۹۶: ۱۸۶).

بعضی‌ها همانند تاکمن<sup>۴</sup> معتقد به «فنا‌ی نمادین زنان» هستند، بدین معنی که رسانه‌های جمعی در تولید و بازتولید فرهنگی، زنان را در حاشیه قرار داده و حضور و نقش آنان را ناچیز می‌شمارند. او بر اساس مطالعات خود از تلویزیون‌های آمریکا فنا‌ی نمادین زنان را به اثبات می‌رساند و نشان می‌دهد که زنان در بسیاری از صحنه‌های واقعی زندگی در تلویزیون غایب هستند (استریناتی<sup>۵</sup>، ۱۳۸۰: ۲۴۲-۲۴۶). تاکمن به این نتیجه می‌رسد که «مردان و زنان در رسانه‌های جمعی به صورتی بازنمایی شده‌اند که با نقش‌های کلیشه‌ای فرهنگی که در جهت بازسازی نقش‌های جنسی سنتی به کار می‌روند، سازگاری دارند» (همان: ۲۴۶).

1. Jarvie & Maguire

2. Conditioning

3. Carlisle & Mesnner

4. Tuchman

5. Strinati

فوکو نیز معتقد است دانش، از طریق تولیدات علمی در بخش‌هایی که مربوط به بدن است، عامل نادیده انگاری زنان است. فوکو به جای مفهوم شرطی کردن از «انجماد معنا» استفاده کرده است. به نظر او دانش به کمک انضباط سازمانی موجب انجماد معنا می‌شود، بدین معنی که افراد دانش خاص یا دانشی را که سازمان مفید می‌داند به عنوان واقعیت غیرقابل تغییر تلقی کرده و آن را مورد سؤال قرار نمی‌دهند. مثلاً در حوزه ورزش بانوان، دانش و بالاخص دانش زیست‌شناختی و روان‌شناختی سعی می‌کنند چنین انجماد معنایی را ایجاد کرده و چنین القا کنند که بر اساس یافته‌های علمی ورزش برای زنان مضر است یا ورزش زنانگی زنان را تغییر داده و آنان را پرخاشگر می‌کند (کلگ، ۱۹۸۳: ۱۹۳). از نظر گالبرایت، علم حتی بسیار محکم‌تر و منضبط‌تر از اعتقادات دینی افراد را شرطی کرده و رفتار آنها را تحت کنترل در می‌آورد.

از جمله پژوهش‌هایی که قبلاً پیرامون ورزش بانوان انجام شده است می‌توان به تحقیق مشرف جوادی و دیگران (۱۳۸۰) اشاره کرد که بر سوابق ورزشی مدیران به عنوان یک عامل تأثیر گذار تأکید بسیار دارند. تحقیق منوچهر محسنی (۱۳۷۹) جنسیت را یکی از تعیین‌کننده‌های اجتناب ناپذیر در ورزش می‌داند. جوکان و لنسکی (۱۹۹۸) معتقدند رسانه‌ها مقوم ایدئولوژی مردانه است. تحقیق موسوی و سنجری نیز بر نقش بودجه و تقویت‌کننده‌های مالی ورزش بانوان تأکید بسیار دارند.

### فرضیه‌های تحقیق

بر اساس رویکردهای نظری فوق، فرضیه‌های زیر را می‌توان مطرح کرد:

- ۱- پاداش با نوع تفسیر ایدئولوژیک قواعد ورزش بانوان رابطه دارد، به طوری که هرچه فرد پاداش بیشتری دریافت کند، تفسیر منفی‌تری از قواعد ورزش در جهت توسعه ورزش زنان ارائه می‌دهد.
- ۲- مرتبه و موقعیت سازمانی فرد با نوع تفسیر ایدئولوژیک قواعد ورزش بانوان رابطه دارد، به طوری که هرچه موقعیت سازمانی افراد بالاتر باشد، تفاسیر آنها از قواعد بیشتر مغایر توسعه ورزش بانوان است.
- ۳- پایگاه اقتصادی- اجتماعی فرد با نوع تفسیر ایدئولوژیک قواعد ورزش بانوان رابطه دارد، به طوری که هرچه پایگاه اقتصادی- اجتماعی افراد بالاتر باشد تفاسیر آنها از قواعد برای توسعه ورزش بانوان مساعدتر است.
- ۴- جنس فرد با نوع تفسیر ایدئولوژیک قواعد ورزش بانوان رابطه دارد، به طوری که مردان بیشتر از زنان تفاسیر مغایر با توسعه ورزش بانوان ارائه می‌دهند.

## روش تحقیق

روش این تحقیق پیمایشی است و از پرسشنامه برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. جامعه آماری ما در زمان تحقیق (۱۳۸۷) ۴۹ فدراسیون ورزشی کشور بود که از بین آنها فدراسیون‌هایی انتخاب شدند که حداقل ۸ سال سابقه ورزش بانوان داشته باشند، تا بتوان متغیرهای تحقیق را مطالعه کرد. بر اساس این ملاک از بین ۴۹ فدراسیون ۳۰ مورد انتخاب شده و تمام شماری شدند. واحد تحلیل پژوهش فرد است و دربرگیرنده مسئولان فدراسیون‌ها (شامل رئیس، نایب رئیس، رؤسای کمیته‌ها) و ورزشکاران (شامل داوران، مربیان و ورزشکاران سطح ملی) است که در ۳۰ هیئت مربوط به این فدراسیون‌ها در استان تهران حضور داشته‌اند. برمبنای تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها، پرسشنامه مربوط تهیه و پیش‌آزمون شد و اعتبار ابزار اندازه‌گیری از طریق تحلیل عاملی (ابعاد متغیرها) در کنار قضاوت و تأیید مدیران و متخصصان دارای سابقه در بخش ورزش بانوان تأیید شد. پایایی ابزار نیز با بهره‌گیری از آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت و تأیید شد. باتوجه به تمام شماری جمعیت آماری برای تحلیل اطلاعات در محیط نرم افزار SPSS از جداول دو بعدی و آزمون‌های آماری مناسب استفاده شد که شیوه‌ای معمول برای این نوع تحقیقات تلقی می‌شود (نائبی، ۱۳۷۷: ۲۶۳-۲۵۹).

## تعریف نظری و عملیاتی متغیر وابسته

متغیر وابسته تحقیق «تفسیر ایدئولوژیک قواعد ورزشی» است. برای تعریف این عبارت لازم است مفهوم قاعده یا هنجار و ایدئولوژی به طور مختصر تعریف شوند. منظور از قاعده، هنجارهای رسمی و غیررسمی معمول در جامعه است که در بین اکثر مردم رایج بوده و به طور طبیعی در مسیر تاریخی جامعه به وجود می‌آید. این قواعد ممکن است از سوی قانونگذاران یک کشور یا جامعه وضع شوند (بی، ۱۳۸۶: ۹۴-۹۷؛ انوری، ۱۳۸۱: ۵۴۵۵). اما این قواعد را در یک جامعه همه افراد دقیقاً به یک نوع معنی و فهم نمی‌کنند، بلکه تحت تأثیر شرایط مختلفی دارند که معنی خاصی از آنها را برداشت می‌کنند و اگر بتوانند سعی می‌کنند این برداشت را به عنوان برداشت و فهم درست آن قواعد جا بیاندازند. این که افراد چه برداشتی از هنجارها و قواعد موجود می‌کنند بستگی به نظام ارزشی یا ایدئولوژی آنها دارد. مثلاً پوشیدن لباس خاصی در جامعه تابع قواعد و هنجارهای اجتماعی است، اما همه یک معنی از پوشش خاص ندارند و طیفی از معانی و تفاسیر در حول آن قاعده در جامعه وجود دارد، که از نظام ارزشی آنان پیروی می‌کند.

ایدئولوژی، مفهوم کشاری است که تعاریف متعددی از آن وجود دارد. از زمانی که آنتوان دستوت دو تراسی<sup>۱</sup> در سال ۱۷۹۷ مفهوم ایدئولوژی را به کار برده، تعریف‌های متعددی از آن ارائه شده است (مک لالن،<sup>۲</sup> ۱۳۸۰؛ بشلر،<sup>۳</sup> ۱۳۷۰؛ تامپسون،<sup>۴</sup> ۱۳۷۸) که از دانش ایده‌ها تا آگاهی کاذب و تفکرات و معانی انقلابی برای ساختن یک جامعه آرمانی را دربرمی‌گیرد. تعریفی از ایدئولوژی که مناسب این پژوهش می‌باشد، تعریفی است که فردیناند دومون ارائه داده است: به نظر وی ایدئولوژی «نظامی از ایده‌ها و قضاوت‌های روشن و سازمان یافته است که برای توصیف، تبیین، استنتاج یا توجیه موقعیت یک گروه یا جامعه به کار می‌رود و اساساً از ارزش‌ها نشأت می‌گیرد و رهنمود دقیقی برای عمل تاریخی این گروه یا جامعه ارائه می‌دهد» (بشلر، ۱۳۷۰: ۷). در یک تعریف دیگر، ایدئولوژی «نظام منسجمی از ایده‌ها و باورها است که بیان کننده طرز تلقی انسان در قبال جامعه است و او را به شیوه‌ای از رفتار سوق می‌دهد که بیانگر اعتقادات و طرز تفکر اوست» (همان: ۸). تامپسون پیشنهاد می‌کند که «ایدئولوژی را از لحاظ شیوه‌هایی که طی آنها معنای برانگیخته از سوی صور نمادین به خدمت استقرار و استمرار روابط سلطه در می‌آید، مفهوم‌سازی کنیم» (تامپسون، ۱۳۷۸: ۷۳).

بنابراین «تفسیر ایدئولوژیک قواعد» عبارت است از معنای خاصی از یک قاعده یا نماد که یک کنشگر در موقعیت و شرایط خاص و با ایدئولوژی خاصی که دارد آن را معنای درست آن قاعده دانسته و آن را مبنای رفتار خود قرار می‌دهد و اگر قدرت داشته باشد سعی می‌کند آن را بر سایرین القا یا تحمیل کند (کلگ، ۱۹۸۹: ۱۷۹-۱۷۸). در معنای خاص‌تر، تفسیر ایدئولوژیک قواعد یعنی درک اعضای گروه‌های مختلف، در مرتبه‌های مختلف یک سازمان، از اصول و قواعد آن سازمان (متیوز،<sup>۵</sup> ۲۰۰۵).

در این پژوهش برای به دست آوردن قواعد مربوط به ورزش زنان در سازمان ورزش از سه منبع استفاده شد: ۱- مجموع قوانین و قانون اساسی (منع کار سخت برای جسم زن، تأکید بر نقش مادری زن، تفاوت طبیعی جسم زن و مرد، عدم تساوی زن و مرد). ۲- اساسنامه فدراسیون‌ها و هیأت‌های ورزشی جمهوری اسلامی (تفکیک ورزش بانوان و آقایان، بودجه متفاوت ورزش بانوان و آقایان). ۳- یافته‌های یک تحقیق درباره قواعد ورزشی که حاصل تحلیل محتوای حدود ۱۹۰۰۰ مقاله و خبر طی سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۳

---

1. De Tracy  
2. Mclellan  
3. Baechler  
4. Thompson  
5. Mattuzz



منابع قدرت و تفسیر ایدئولوژیک قواعد ورزش بانوان ۱۳

پیرامون ورزش بانوان بود (صداقت زادگان، ۱۳۸۴). این تحقیق دربرگیرنده مواردی چون تقویت ورزش در چهار حوزه همگانی، قهرمانی، آموزشگاهی و حرفه‌ای، شرکت در رقابت‌های برون مرزی، پوشش خبری، تبلیغ، حمایت مالی و حمایت پژوهشی بود.

گویه‌های تعیین شده در باره تفسیر قواعد ورزشی با پنج نفر از افراد متخصص در امر ورزش اعم از ورزشکار و مدیر مطرح و تأیید شد. بر اساس مطالعات اکتشافی و منابعی که اشاره شده جدولی متشکل از ۴۷ گویه پیشنهادی طراحی شد که پس از پیش آزمون پرسشنامه با تحلیل عاملی داده‌های به دست آمده، ۲۲ گویه زیر ۵ عامل، شامل قواعد مربوط به تفاوت جنسی، خانواده، قواعد مذهبی، رسانه و تبلیغ و قواعد مربوط به حمایت و هزینه ورزش دسته بندی شد.<sup>۱</sup> ۱۱ گویه از ۲۲ گویه با گزینه‌های پنج جوابی (کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) و ۱۱ گویه با گزینه‌های سه جوابی (شامل تفسیر به نفع بانوان، تفسیر به نفع مردان و تفسیر خنثی) ساخته شد. دامنه متغیر فاصله‌ای به دست آمده به سه گروه ۳۳/۳۳ درصدی تقسیم شد تا سه حالت رتبه‌های تفسیر ایدئولوژیک بالا، متوسط و پایین به دست آید.

#### تعریف نظری و عملیاتی متغیرهای مستقل

پاداش: متغیر پاداش به سه بخش پاداش ذهنی (ارتقای مهارت ورزشکاران، ارزیابی درست توانایی آنها و تشویق توانایی آنها)، پاداش نمادین (تعداد مدال، لوح تقدیر و افتخار و تعداد جام‌های دریافتی) و پاداش مالی (پاداش‌های دریافت شده پولی غیر مستمر و مستمر به صورت حقوق) تقسیم شد و با ساختن گویه‌های مربوط سنجیده شد.

پایگاه اقتصادی- اجتماعی: پایگاه اقتصادی- اجتماعی موقعیت اشغال شده به وسیله فرد در نظام اجتماعی است که تعیین کننده حقوق، وظایف و دیگر رفتارهای فرد است و شاخص‌های آن شامل چیزهایی است که در یک جامعه ارزش محسوب می‌شوند (دانکن، ۱۹۷۹: ۱۹۳). این متغیر از طریق معرف‌های درآمد، بهای مسکن، تحصیلات پدر، هزینه خوراک خانواده و محله زندگی سنجیده شد. شاخص به دست آمده به سه سطح تقسیم گردید.

<sup>۱</sup> قواعد به دست آمده سیاست های فرهنگی- اجتماعی ورزش زنان کشور مصوبه شورایی انقلاب فرهنگی را نیز پوشش می‌دهد.

**مرتبۀ سازمانی:** مرتبۀ سازمانی موقعیتی است که فرد در زمان انجام تحقیق در سازمان ورزش اشغال کرده است. این موقعیت‌ها شامل رئیس فدراسیون، دبیر، نایب رئیس آقایان، نایب رئیس بانوان، رئیس کمیته، داوری، مربیگری و ورزشکاری می‌باشد که به همین ترتیب امتیاز برای آنها در نظر گرفته شد. بدین ترتیب با تعریف نظری و عملیاتی متغیرها و نهایی شدن پرسشنامه داده‌های تحقیق از جامعه آماری جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت، که نتایج توصیفی متغیرها و آزمون فرضیه‌های تحقیق در ادامه ارائه می‌شود.

### تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها

همان‌طور که ذکر شد جمعیت مورد مطالعه ۶۵۰ نفر، شامل ۴۳۴ نفر از بانوان و ۲۱۶ نفر از آقایان، بودند که در سطوح مختلف مدیران و ورزشکاران قرار داشتند. دامنه سنی پاسخ‌گویان بین ۱۲-۷۹ سال و میانگین سن آنان ۳۳/۹۵ به دست آمد. دامنه تغییر شاخص متغیر وابسته، یعنی تفسیر ایدئولوژیک قواعد، ۲۲ تا ۷۳ بوده و میانگین آن ۴۲/۱ و انحراف معیار آن ۸/۵ گردید. با رتبه‌بندی شاخص تهیه شده در سه سطح، جدول شماره (۱) به دست آمد:

جدول شماره (۱): توزیع فراوانی و درصدی تفسیر ایدئولوژیک قواعد توسط پاسخ‌گویان

تفسیر ایدئولوژیک قواعد	زن		مرد		جمع	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
پایین	۳۲۵	۷۴/۹	۶۷	۳۱	۳۹۲	۶۰/۰
متوسط	۱۰۸	۲۴/۹	۱۴۲	۶۵/۷	۲۵۰	۳۸/۵
بالا	۱	۰/۲	۷	۳/۲	۸	۱/۵
کل	۴۳۴	۱۰۰	۲۱۶	۱۰۰	۶۵۰	۱۰۰

جدول فوق نشان می‌دهد که تفسیر ایدئولوژیک قواعد ورزش بانوان بر علیه ورزش بانوان از سوی مجموع مدیران و ورزشکاران در حد متوسط و پایین قرار دارد. یعنی حدود ۶۰ درصد پاسخ‌گویان قواعد ورزشی را طوری تفسیر نمی‌کنند که مانع توسعه ورزش بانوان گردد. با توجه به این که اکثر پاسخ‌گویان (۴۳۴ نفر) زن بودند و در مرتبۀ ورزشکاری تنها ورزشکاران زن پاسخ‌گو بوده‌اند، این نتیجه دور از انتظار نبود. مقایسه درصدهای زنان و مردان در جدول فوق نشان می‌دهد که تفسیر ایدئولوژیک قواعد ورزش بانوان بر

منابع قدرت و تفسیر ایدئولوژیک قواعد ورزش بانوان ۱۵

علیه ورزش بانوان از سوی زنان کمتر از مردان است، به طوری که تفسیر ایدئولوژیک بانوان بیشتر در سطح پایین است و در مقابل از سوی مردان بیشتر در سطح متوسط است. البته بعداً اثر جنسیت را در تفسیر ایدئولوژیک خواهیم دید. در جدول شماره (۲) وضعیت تفسیر ایدئولوژیک قواعد با تفکیک پاسخ‌گویان به مدیران و ورزشکاران بررسی می‌شود.

جدول شماره (۲): توزیع فراوانی و درصدی تفسیر ایدئولوژیک قواعد به تفکیک مدیران و ورزشکاران

ورزشکاران				مدیران				تفسیر ایدئولوژیک قواعد
مرد		زن		مرد		زن		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۵۰	۳	۷۷/۴	۲۸۵	۳۰/۵	۶۲	۶۰/۶	۴۰	پایین
۵۰	۳	۲۲/۳	۸۲	۶۶/۲	۱۳۹	۳۹/۴	۲۶	متوسط
۰	۰	۱	۱	۳/۳	۷	۰	۰	بالا
۱۰۰	۶	۱۰۰	۳۶۸	۱۰۰	۲۱۱	۱۰۰	۶۶	کل

با تفکیک موقعیت افراد در فدراسیون به دو گروه مدیران و ورزشکاران، میانگین تفسیر ایدئولوژیک قواعد در بین مدیران فدراسیون ۴۶/۵ از ۷۳ می‌شود، در حالی که این میانگین در بین ورزشکاران ۳۹ می‌باشد، که در مقایسه با میانگین کل، یعنی ۴۲/۱، مقدار پایین‌تری را نشان می‌دهد. این جدول نکات مهمی را آشکار می‌کند: گرایش مدیران مرد به تفسیر ایدئولوژیک قواعد به طور قابل ملاحظه‌ای بیشتر از بانوان است که در جهت خلاف توسعه ورزش بانوان می‌باشد، در حالی که گرایش ۷۷ درصد ورزشکاران زن به تفسیر قواعد به نفع ورزش بانوان است. ثانیاً، به علت فرهنگ حاکم در جامعه بخش قابل توجهی از ورزشکاران زن نیز (۲۲/۳ درصد آنان) در حد متوسط تفسیر ایدئولوژیک بر علیه ورزش زنان دارند. به عبارت دیگر، حدود یک چهارم زنان تفسیری از قواعد ورزشی دارند که خود از موانع توسعه ورزش زنان می‌باشد و این بسیار قابل توجه است. هرچند اختلاف مدیران و ورزشکاران زن در تفسیر ایدئولوژیک قواعد ورزشی معنی‌دار می‌باشد، ولی اختلاف آنان کمتر از حدی است که انتظار می‌رفت. در ادامه به آزمون فرضیه‌های تحقیق می‌پردازیم:

### رابطه میزان پاداش با تفسیر ایدئولوژیک قواعد

رابطه متغیر میزان پاداش با تفسیر ایدئولوژیک قواعد ورزش بانوان از طریق جدول دو بعدی و محاسبه آماره تاو B کندال تأیید نشد. اما اگر رابطه پاداش مالی فرد را که قسمتی از پاداش تعریف شده است، با تفسیر ایدئولوژیک ورزش بانوان بررسی کنیم جدول زیر حاصل می‌شود:

جدول شماره (۳): تفسیر ایدئولوژیک قواعد ورزش بانوان بر حسب پاداش مالی پاسخ‌گویان

بالا	متوسط	پایین	قدرت اقتصادی تفسیر ایدئولوژیک قواعد
۳۲ ٪۱۶/۱	۱۲ ٪۳۶/۴	۱۳۴ ٪۴۲/۱	پایین
۷۸ ٪۳۹/۲	۱۱ ٪۳۳/۳	۱۰۱ ٪۳۱/۸	متوسط
۸۹ ٪۴۴/۷	۱۰ ٪۳۰/۳۴	۸۳ ٪۲۶/۱	بالا
۱۹۹ ۱۰۰	۳۳ ۱۰۰	۳۱۸ ۱۰۰	جمع

تاو B کندال: ۰/۲۳۶؛ سطح معنی داری: ۰/...؛ فراوانی: ۵۵۰

با توجه به اینکه در سطر اول جدول فوق درصدها از راست به چپ کاهش می‌یابد و در سطر سوم از راست به چپ درصدها افزایش نشان می‌دهد، مشخص می‌شود که بین تفسیر ایدئولوژیک قواعد و پاداش مالی فرد رابطه مثبتی وجود دارد. به عبارتی هر چقدر پاداش مالی فرد افزایش می‌یابد تفسیر ایدئولوژیک قواعد نیز افزایش نشان می‌دهد. این رابطه با مقدار آماره تاو B کندال نیز که مقدار آن ۰/۲۳۶ می‌باشد، تأیید می‌شود. نتیجه این که فرضیه رابطه پاداش و تفسیر ایدئولوژیک قواعد بطور کلی تأیید نمی‌شود، اما فرضیه فرعی رابطه پاداش مالی با تفسیر ایدئولوژیک قواعد تأیید می‌شود.

### رابطه مرتبه‌ی سازمانی با تفسیر ایدئولوژیک قواعد

همه فدراسیون‌ها دارای هشت مرتبه‌ی سازمانی هستند. در جدول شماره ۷ مراتب سازمانی هشت گانه فدراسیون‌ها و نحوه توزیع سطوح مختلف تفسیر ایدئولوژیک قواعد در بین این مراتب بررسی گردید.

منابع قدرت و تفسیر ایدئولوژیک قواعد ورزش بانوان ۱۷

جدول شماره (۴): رابطه مرتبه سازمانی با تفسیر ایدئولوژیک قواعد ورزش بانوان (برای کل پاسخ‌گویان)

مرتبه‌سازمانی تفسیر ایدئولوژیک قواعد	رئیس	دبیر	نائب رئیس آقایان	نائب رئیس بانوان	کمیته‌ها	داور	مربی	ورزشکار
پایین	۵ ٪۲۰/۸	۴ ٪۱۴/۳	۰ ٪۰/۰	۸ ٪۳۲/۰	۳۵ ٪۱۹/۲	۱۱ ٪۳۶/۷	۱۷ ٪۲۸/۸	۱۳۳ ٪۴۸/۵
متوسط	۶ ٪۲۵/۰	۱۲ ٪۴۲/۹	۲ ٪۲۰/۰	۱۰ ٪۴۰/۰	۶۱ ٪۳۳/۵	۱۱ ٪۳۶/۷	۲۵ ٪۴۲/۴	۹۰ ٪۳۲/۸
بالا	۱۳ ٪۵۴/۲	۱۲ ٪۴۲/۹	۸ ٪۸۰/۰	۷ ٪۲۸/۰	۸۶ ٪۴۷/۳	۸ ٪۲۶/۷	۱۷ ٪۲۸/۸	۵۱ ٪۱۸/۶
جمع	۳۴ ۱۰۰	۲۸ ۱۰۰	۱۰ ۱۰۰	۲۵ ۱۰۰	۱۸۲ ۱۰۰	۳۰ ۱۰۰	۵۹ ۱۰۰	۲۷۴ ۱۰۰

کای اسکوپر، ۹۳۲/ ۸۱؛ سطح معنی داری ۰/۰۰۰؛ فراوانی: ۶۳۲

مقدار کای اسکوپر محاسبه شده نشان می‌دهد که دو متغیر در سطح معنی‌داری بالایی با هم رابطه دارند؛ یعنی مرتبه سازمانی بر تفسیر ایدئولوژیک قواعد ورزشی بانوان اثر می‌گذارد. مشاهده جدول نشان می‌دهد که سطح اثرگذاری قابل توجه بوده و در عین حال منفی است؛ یعنی در مراتب سازمانی بالاتر، تفسیر ایدئولوژیک به ضرر ورزش بانوان انجام می‌شود، و در مراتب سازمانی پایین‌تر، تفسیر قواعد به نفع ورزش بانوان انجام می‌شود. در واقع ورزشکاران کمتر از همه مراتب تفسیر ایدئولوژیک به زیان ورزش زنان انجام می‌دهند. همچنین نگاهی به درصدهای سطر سوم نشان می‌دهد که درصد فراوانی‌ها در مرتبه‌های رئیس، دبیر، نائب رئیس آقایان و کمیته‌ها بالا است. اما این درصد در بین نائب رئیس بانوان، داور، مربی و ورزشکار کمتر است. به این ترتیب در مرتبه‌های رئیس، دبیر، نائب رئیس در امور آقایان و کمیته‌ها تفسیر ایدئولوژیک قواعد در سطح بالایی قرار دارد. اما در بین مرتبه‌های نائب رئیس بانوان، داوران، مربیان و ورزشکاران تفسیر ایدئولوژیک قواعد در سطح پایینی قرار دارد. بنابراین فرضیه مطرح شده درباره اثر مراتب سازمانی تأیید می‌شود، به طوری که با بالا رفتن مرتبه سازمانی پاسخ‌گویان، تفسیر آن‌ها از قواعد ورزش به ضرر ورزش بانوان افزایش می‌یابد.

#### رابطه پایگاه اقتصادی - اجتماعی با تفسیر ایدئولوژیک قواعد

در جدول ذیل رابطه‌ی بین دو متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی و تفسیر ایدئولوژیک بررسی شده است:

جدول شماره (۵): تفسیر ایدئولوژیک قواعد ورزش بانوان برحسب پایگاه اقتصادی و اجتماعی

پایگاه اقتصادی - اجتماعی	پایین	متوسط	بالا
تفسیر ایدئولوژیک قواعد	۸	۱۰۴	۱۳
پایین	٪۳۶/۴	٪۳۰/۱	٪۲۰/۶
متوسط	۹	۱۲۰	۳۲
	٪۴۰/۹	٪۳۴/۸	٪۵۰/۸
بالا	۵	۱۲۱	۱۸
	٪۲۲/۷	٪۳۵/۱	٪۲۸/۶
جمع	۲۲	۳۴۵	۶۳
	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

تاو b کندال: ۰/۳۵۰؛ سطح معنی داری: ۰/۳۷۸؛ فراوانی: ۴۳۰

براساس آماره کندال، رابطه خطی معنی داری بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و تفسیر ایدئولوژیک قواعد ورزشی وجود ندارد. اما نگاهی به درصدهای سطری جدول مخصوصاً سطر دوم و سوم نشان می دهد که احتمالاً رابطه غیرخطی بین دو متغیر وجود دارد که آماره کندال آن را نشان نمی دهد. در عین حال دو سطر اول جدول رابطه مثبت بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و تفسیر ایدئولوژیک نشان می دهد، به طوری که با افزایش پایگاه اجتماعی اقتصادی تفسیر ایدئولوژیک پایین کمتر می شود. اما چون سطر سوم جدول از این روند تبعیت نکرده است در مجموع، نمی توان فرضیه مطرح شده را تأیید کرد.

#### رابطه جنس با تفسیر ایدئولوژیک قواعد ورزش بانوان

همان طور که قبلاً نیز ملاحظه شد، انتظار می رود جنسیت با تفسیر ایدئولوژیک ورزش بانوان رابطه داشته باشد، به طوری که تفسیر ایدئولوژیک مردان بیشتر از زنان بر علیه ورزش بانوان باشد. در جدول شماره ۹ این فرضیه بررسی می شود:

منابع قدرت و تفسیر ایدئولوژیک قواعد ورزش بانوان ۱۹

جدول شماره (۶): تفسیر ایدئولوژیک قواعد ورزش بانوان برحسب جنس پاسخ‌گویان

جنس		تفسیر ایدئولوژیک قواعد
مرد	زن	
۳۹ ٪۱۳/۷	۱۸۴ ٪۴۳/۷	پایین
۷۱ ٪۳۳/۶	۱۴۶ ٪۳۴/۷	متوسط
۱۱۱ ٪۵۲/۶	۹۱ ٪۲۱/۶	بالا
۳۱۱ ۱۰۰	۴۲۱ ۱۰۰	جمع

آزمون کای اسکوتر: ۷۹/۷؛ معنی داری: ۰/۰۰؛ فراوانی: ۶۳۳

همان‌طور که انتظار می‌رفت، یافته‌های آماری براساس آزمون کای اسکویئر نشان می‌دهد که رابطه جنسیت با تفسیر ایدئولوژیک معنی‌دار است. یعنی مردان نسبت به زنان تفسیر ایدئولوژیک تری از قواعد ورزشی بانوان بر علیه توسعه ورزش زنان دارند، و زنان برعکس. آنچه سبب تأمل می‌باشد، حدود ۲۲ درصد زنانی هستند که تفسیر آنان از قواعد ورزشی بر علیه ورزش زنان می‌باشد. بدین ترتیب، تفسیر ایدئولوژیک قواعد ورزش بانوان بین دو جنس تفاوت جدی نشان می‌دهد و فرضیه اثر جنسیت بر تفسیر ایدئولوژیک تأیید می‌شود.

### بحث و نتیجه‌گیری

در بیشتر منابع جامعه‌شناسی ورزش صاحب‌نظران و اندیشمندان بر نقش مؤثر تفسیر ایدئولوژیک قواعد ورزشی و تأثیر این تفسیر بر عملکرد ورزش بانوان تأکید دارند. این موضوع در بین برخی از فدراسیون‌های دارای بخش ورزش بانوان از طریق چهار فرضیه بررسی شد. بررسی فرضیه‌ها با استفاده از ۶۵۰ پرسشنامه تهیه شده در مرتبه‌های هشت گانه فدراسیون (رئیس، دبیر، نائب رئیس بانوان، نائب رئیس آقایان، روسای کمیته‌ها، داور، مربی و ورزشکار) نشان می‌دهد که تفسیر ایدئولوژیک قواعد در بین ورزشکاران در سطح متوسط و پایین و در بین مدیران فدراسیون در سطح متوسط و بالا است.

نتیجه بررسی فرضیه‌ها نشان می‌دهد رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته، باتوجه به ابعاد و مؤلفه‌های چندگانه‌ای که دارند، بسیار پیچیده است. در عین حال یافته‌ها بیانگر آن است که مرتبه سازمانی هر چقدر بالاتر باشد موجب افزایش تفسیر ایدئولوژیک قواعد می‌شود. بنابراین آرای اندیشمندی همچون هالفورد (۱۹۹۲) که نقش بوروکراسی را در ورزش بانوان منفی می‌داند تأیید می‌شود. تأثیر قدرت سازمان بر ورزش بانوان به گونه‌ای است که حتی مدیرانی که در سازمان ورزش هستند نیز قواعد ورزش را به ضرر ورزش بانوان تفسیر می‌کنند. این قضیه تا حدی حتی بین زنان ورزشکار و نائب رئیس فدراسیون در امور ورزش بانوان نیز مشهود است. نائب رئیس بانوان بیش از ورزشکاران از قواعد ورزش، تفسیری ایدئولوژیک ارائه می‌دهد.

رابطه میزان پاداش و تفسیر ایدئولوژیک قواعد تأیید نشد. اما رابطه یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های میزان پاداش، یعنی میزان پاداش مالی و حقوق دریافتی از سازمان ورزش، با تفسیر ایدئولوژیک قواعد مثبت بود. یعنی هر چقدر پاداش مالی بیشتری از سازمان ورزش دریافت شود قواعد ورزشی بیشتر ایدئولوژیک تفسیر می‌شود. به این ترتیب نظر نش (۱۳۷۹)، هال (۱۹۹۱)، بولدینگ (۱۹۸۹) و کنگ (۱۹۸۷) که شاخص‌های اقتصادی را عامل وابستگی سازمان به محیط می‌دانند در تحقیق حاضر نیز تأیید شد. وابستگی به منابع مالی موجب انطباق سازمان با محیط می‌شود، محیطی که از قواعد، تفسیری ایدئولوژیک ارائه می‌دهد. این نتیجه با پیش‌بینی تحقیق موسوی و سنجر (۱۳۷۹) که بر نقش مثبت بودجه و تقویت کننده‌های مالی در ورزش بانوان تأکید دارند تطابق نشان نمی‌دهد.

رابطه پایگاه اقتصادی-اجتماعی و تفسیر ایدئولوژیک قواعد در حد ضعیف و به صورت منفی تأیید شد. بدین معنی که پایگاه اقتصادی اجتماعی و تحصیلات بالا به معنای رسوخ نگرشی موافق‌تر با ورزش بانوان است، هر چند که این رابطه باید با دقت بیشتری در تحقیقات بعدی بررسی شود. بررسی فرضیه آخر نیز تفاوت تفسیر ایدئولوژیک قواعد بین دو جنس زن و مرد را در سطح قابل قبولی نشان داد.

به طور کلی، بر اساس انتظار نظری تحقیق فرضیه‌های رابطه مرتبه سازمانی، دریافت پاداش مالی و جنس با نوع تفسیر ایدئولوژیک قواعد ورزشی تأیید شد. بر اساس یافته‌های حاصل از این تحقیق جهت توسعه و بهبود ورزش بانوان کاهش بوروکراسی دولتی و بهره‌گیری از مدیران زن توانمند می‌تواند به توسعه ورزش بانوان کمک کند.



## منابع

- استریناتی، دومینیک (۱۳۸۰) مقدمه‌ای بر نظریه‌های فرهنگ عامه، ترجمه: ثریا پاک‌نظر، تهران: گام نو.
- انوری، حسن (۱۳۸۱) فرهنگ بزرگ سخن، جلد اول. تهران: سخن.
- بی‌بی، ارل (۱۳۸۶) درآمدی بر جامعه‌شناسی، علمی انتقادی، ترجمه: محمدحسین پناهی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- بشار، ژان (۱۳۷۰) ایدئولوژی چیست؟ نقدی بر ایدئولوژی‌های غربی، ترجمه: علی اسدی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- تامپسون، جان ب (۱۳۷۸) ایدئولوژی و فرهنگ مدرن، مسعود اوحدی، تهران: طلوع آزادی.
- روشه، گی (۱۳۶۶) تغییرات اجتماعی، ترجمه: منصور وثوقی، تهران: نشر نی.
- صداقت زادگان، شهناز (۱۳۸۴) جامعه‌پذیری از طریق ورزش، المپیک. ش ۳۳.
- گالبرایت، جان کنت (۱۳۸۱) آناتومی قدرت، محبوبه مهاجر، تهران: سروش.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۹) بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی در تهران، تهران: نشر زهد.
- مشرف جوادی، بتول و همکاران (۱۳۸۰) بررسی نیازها، مشکلات و موانع انجمن‌های ورزشی بانوان کشور، کمیته مدیریت برنامه‌ریزی. سازمان تربیت بدنی، حوزه معاونت بانوان کشور.
- مک‌لادن، دیوید (۱۳۸۰) ایدئولوژی، ترجمه: محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: انتشارات آشتیان.
- موسوی، مریم و احمد سنجر (۱۳۷۹) تعیین و تطبیق برنامه‌ریزی به منظور شفاف نمودن و بهبود برنامه‌های جامع کاربردی ورزش بانوان کشور، سازمان تربیت بدنی جمهوری اسلامی ایران، حوزه معاونت ورزش بانوان کشور.
- نائبی، هوشنگ (۱۳۸۶) روش تحقیق نظری در علوم اجتماعی، چ سوم. تهران: دانشگاه پیام نور.
- نش، کیت (۱۳۷۹) جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، جهانی شدن، سیاست، قدرت، ترجمه: محمد تقی دلفروز، تهران: کویر.
- Aitchson, Cara Carmicheal** (2002) *Gender and Liesure*. New York: Routledge.
- Boulding, Kenneth E** (1989) *Three Faces of Power*. London and New Delhi, Sage Publications.
- Carlisle Duncan, Margaret Mitcheal A. Mesnner** (1998) *The Media Image of Sport and Gender in Sport in Journalism and Marketing in Media Sport*. By Lawrence A Wenner. London: Routledge.
- Clegg, Stewart R** (1981) *Organization and Control*, in *Administrative Science Quarterly*. Vol. 20(4).
- Clegg, Stewart R** (1983) *Organization Democracy, Power and Participation in the International Yearbook*.
- Clegg, Stewart R** (1987) *The Language of Power and the Power of Language in Organization Studies*. Vol. 8(1).
- Clegg, Stewart R** (1989) *The Framework of Power*. London: Sage.
- De Coubertin, Pierre** (2000) *Olympism. Selected Writing*. Switzerland: Lausanne.
- Dunken, Mitcheal G** (1979) *A Dictionary of Sociology*. London: Routledge.

**Eldridge, J.E.T & A.D Crombie** (1974) *A Sociology of Organizations*. London: Allen & UWIN LTD.

**Gordon, Marshal** (1998) *Oxford Dictionary of Sociology*. NewYork: Oxford.

**Gredon, Pamela.** (1998) *Women s Sport and Media*, in *Media Sport* by Lawrence A. Wenner, London :Routledge.

**Hall, Richard. H** (1991) *Organization, Structures, Process and Outcomes*. 5<sup>th</sup> ed. NewYork :Prenticehall

**Halford, Susan** (1992) *Feminist Change in Patriarchal Organization*, in *Gender and Buruacracy*, edited by Make Savage and Anne Witz.

**Jarvie, Grant and Joseph Maguire** (1994) *Sport and Liesure in Social Thought*. London: Routledge.

**Jokane, Mary & Hellen Jefferson Lensky** (1998) *Media Treatment of Female Athletes: Issues of Gender and Sextuality in Media Sport*, by Lawrence A. Wenner, London: Routledge.

Marshal, Gordon (1998) *Dictionary of Sociology*. NewYork: Oxford.

**Mattuzz, Nancy and Bunni** (2005) *Political Neutrality and Humanitarian and Political Implication of organizational Ideology*. Thesis: MA.

**Mcfee, Graham** (2004) *Sport, Rules and Values, philosophical Investigations in to Nature of Sport*. London: Routledge.

**Nixon, Howard and James Fray** (1996) *Sociology of Sport*. U.S.A: Wodsworth.